



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## احکام فقهی مرزبانان و شرایط آنان

سامان فرضی کرم الله<sup>۱</sup>

۱- سطح ۳ (ارشد) حوزه علمیه قم

### چکیده

یکی از مهمترین مسائل مرتبط با امنیت اجتماعی که در فقه اسلامی و مسائل مربوط به حکومت اسلامی حائز اهمیت است لزوم حفاظ از مرزها و استحکام امنیت آن است. این امر از آن رو اهمیت دارد که اگر امنیت مرزها تأمین باشد بخش زیادی از امنیت شهرها حفظ شده، و در سایه این امنیت می توان فرهنگ و اقتصاد را ساخت. فقه مرزبانی که از آن با عنوان رابطه نیز یاد می شود جزو مهمترین ابواب فقهی در حکومت اسلامی بوده و از وظایف اصلی تمامی حاکمان، توجه ویژه بدین امر است. در این پژوهش مسائل مربوط به مرزبانی از منظر فقه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و در این میان تلاش شده است تا از میان منابع اصیل اسلامی، موارد مربوط به آن استخراج شود، در پژوهش حاضر پس از بیان اهمیت و اجر و فضیلت مرزبانی، به احکام مرتبط با آن پرداخته شده است. از بررسی اقوال مشخص گردید که حکم تکلیفی مرزبانی مستحب مؤکد بوده که در مقام اضطراری به واجب کفایی تبدیل می شود. نماز مرزبانان نیز تنها در مواقع ضرورت به صورت نماز خوف خوانده می شود. مرزبانان باید دارای ویژگی های شخصی مانند شجاعت، ولایتمداری، آمادگی رزمی و... بوده و مسئولان حکومتی باید علاوه بر حمایت اقتصادی از مرزبانان و مرزنشینان، به فکر مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مرزها نیز باشند. توجه همه جانبه به تمامی این مسائل تأمین کننده امنیت مرزها بوده و جزوی از مراتب مرزبانی شمرده می شوند، و توجه یک جانبه به قوای نظامی مرزبانان به تنهایی نمی تواند امنیت مرزها را تأمین کند.

کلید واژگان: مرزبانی، فقه، مرزبانی رابطه

### مقدمه

انسان به طور غریزی به داشتن حریم و محدوده متعلق به خویش علاقه مند و نیازمند است. از این رو از ابتدای پیدایش انسان، مرز شخصی، خانوادگی، قبیله ای و طائفه ای برای انسان مطرح بوده و انسان بر اساس همان حس غریزی تا پای جان از آن دفاع کرده است. با تشکیل حکومت ها، مرز مفهوم مشخص تر و تثبیت شده تری در تعاریف جاری پیدا کرد و از اولین اقدامات انسان ها، تشکیل نیروهای مرزبان و مرزدار برای حفظ این حریم ها بوده است. امروز نیز در جهان، اهمیت مرزداری و مرزبانی به گونه ای است که در پیمانها و قراردادهای بین المللی منع مناقشه و تعرض به مرز به عنوان یک اصل و معیار تعریف شده و مورد قبول قرار گرفته و بخشی از نیروهای مسلح هر کشور به امر مرزبانی اختصاص یافته است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در متون فقهی از مرز بیشتر با واژه (ثغر) که جمع آن ثغور می باشد نام برده شده است و در قرآن کریم، مرز با واژه رابط آمده است؛ مانند آیه ۲۰۰ آل عمران که خداوند متعال می فرماید: «ای اهل ایمان، (در کار دین) صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که فیروز و رستگار گردید.»<sup>۱</sup> که این واژه در کلام فقها نیز به کار رفته و از مرزبانی به عنوان «مربطه» نام برده شده است. کلمه رباط و مشتقات آن ۵ بار در قرآن کریم تکرار شده است. در این تحقیق تلاش می شود موضوع مرزبانی و شرایط مرزبانان از منظر فقهی، (مانند: تبعیت از حاکمیت، داشتن آمادگی رزمی، آمادگی نظامی و ...) بررسی گردد. همچنین در این تحقیق، به تکالیف مسئولان در قبال مرزبانها و مرزنشینان اشاره می کند. نیز لزوم توجه مسئولان به امور مرزنشینان مانند اشتغال زائی، تهیه امکانات رفاهی، فرهنگی و... که عدم توجه به تحقق هر کدام از این امور، خالی شدن سکنه از مرزها را به همراه داشته و یا خود مرزنشینان تهدیدی بالقوه برای کشور اسلامی محسوب می شوند. همچنین منابع مالی مرزبانان از دیدگاه فقهی به بحث گذاشته می شود.

## فقه

واژه فقه به معنی درک کردن و فهم است، همانطور که جوهری می گوید: الفقه الفهم<sup>۲</sup>، اما از آنجا که مسلمانان علم و فهم از دین را شریفتر از سایر علوم می دانسته‌اند، فقط فهم دین را فقه نامیده‌اند و این گونه بود که اصطلاح علم فقه به وجود آمد.<sup>۳</sup> برای مثال صاحب معالم و میرزای قمی علم فقه را علم به احکام شرعی فرعی به واسطه ی ادله ی تفصیلی آن تعریف می کنند.<sup>۴</sup> تعریف معروف فقه در اصطلاح عبارت است از: علمی که به وسیله آن احکام شرعی را از ادله تفصیلی به دست می آوریم. «دلایل تفصیلی» از نظر بیشتر علمای شیعه عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل.

هدف فقه کشف احکام الهی است. قوانین الهی، در مورد تمامی وقایع و موضوعات به صورت مشخص و دقیق بیان نشده است. هدف فقه این است که از طریق منابع و براهین فقهی، در تمامی مواردی که بشر نیازمند دانستن حکم الهی آن است به

۱ یا آیه‌ا الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون

۲ جوهری فارابی، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۲، ص ۲۱۵.

۳ مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱ ص ۲۰۱.

۴ ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ص ۲۶ و میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، القوانين المحکمة فی الأصول، ج ۱ ص ۳۶. هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصيلية.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کنکاش پرداخته، قوانین مربوط به هر مورد خاص را کشف کند. فعالیتی را که فقیه برای کشف حکم الهی انجام می‌دهد، استنباط و یا اجتهاد می‌نامند.

## مرز

مرز یا سرحد به خط فاصل میان دو کشور گفته می‌شود.<sup>۱</sup> مرز مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک کشور از کشور همسایه است. می‌توان گفت که در الفاظ عربی امروزه بیشترین لفظی که در ازای مرز استفاده می‌شود لفظ حد و حدود است و به مرزبانی نیز حرس الحدود اطلاق می‌شود. اما از آنجا که در تمامی ابحاث فقهی ناگزیر از رجوع به کتب فقهی و خصوصا روایات اهل بیت علیهم السلام هستیم، لازم است از لفظی که در آن زمان رایج بوده و اهل بیت علیهم السلام به واسطه آن، مفهوم مرز و مرزبانی را به ذهن عرف آن زمان منتقل می‌کردند برای فهم روایات و عبارات علما استفاده نماییم.

به تعبیر دیگر فهم معنای امروزی واژه مرز برای استنباط احکام فقهی کفایت نمی‌کند، به این دلیل که این لفظ صرفا یک وسیله و ابزار برای رساندن یک مفهوم است و بالذات ارزش ندارد، حال با توجه به اینکه امام لفظ را به عنوان وسیله ای برای فهماندن معنایی در آن زمان بکار برده اند، پس آن معنا برای ما ارزشمند خواهد بود، چون آن لفظ ابزار برای رساندن آن معنا بوده و آن معنا در واقع برای فهمیدن فرمایش امام سودمند خواهد بود.

با توجه به فرهنگ نامه های معتبر زبان عربی، همچون لسان العرب<sup>۲</sup> و مصباح المنیر<sup>۳</sup> می‌توان به این نتیجه رسید که برای مرز در زمان معصومان (ع) از لفظ ثغر و ثغور و برای مرزبانی از لفظ مرابطه استفاده شده است.

امروزه فارسی زبانان نیز بعضا از اصطلاح حدود و ثغور استفاده می‌کنند که به همان معنای مرز و حیطة به کار می‌رود،<sup>۴</sup> اما در مورد لفظ مرابطه باید گفت شاید نزد عرب زبانان نیز استعمال این لفظ برای رساندن مفهوم مرزبانی شایع نباشد، اما عرب زبانان برای رساندن مفهوم مرزبانی طی تطوری زبانی از واژه مرابطه به حراسه الحدود، عدول کرده اند.<sup>۵</sup>

بهترین شاهد مثالی که می‌توان برای استعمال یک واژه در یک معنا، در زمان معصومان (ع) آورده شود، احادیثی است که نقل شده است و باید خاطر نشان شود حتی در صورت عدم حجیت و عدم تایید وثاقت تک تک افراد نیز می‌توان این احادیث را به

<sup>۱</sup> دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ذیل واژه مرز

<sup>۲</sup> ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، ص ۳۰۲

<sup>۳</sup> فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۲۱۵

<sup>۴</sup> معین، محمد، فرهنگ معین، ذیل واژه حدود، و ذیل واژه ثغور

<sup>۵</sup> فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۲۱۵



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

عنوان شاهد مثالی برای استعمال این لفظ در آن زمان آورد، زیرا در فرض مجعول و موضوع بودن روایت نیز، از روایت این برداشت به دست می آید که روات غالباً معاصر با امام بوده اند، البته این روایات باید از کتب اصول یا حداقل کتب اولیه حدیثی همچون قرب الاسناد و کافی باشند تا بتوان چنین استنتاجی نمود

## مرزبانی

در اصطلاح فقهاء رباط و مرابطه به معنای آن است که عده ای جهت مراقبت از مرزها و مراقبت از تحرکات دشمن در آنسوی مرزها در مناطق مرزی حاضر باشند، و اگر در آن مناطق برای مدتی ساکن شوند به آنان "مرباط" گفته می شود.<sup>۲۱</sup>

برای شرح این واژه می توان به عناوین کتب فقهی رجوع نمود زیرا غالباً علماء خصوصاً محدثین در آوردن احادیث کوشش می کنند به نحوی از همان الفاظی استفاده شود که مورد استعمال معصومان علیهم السلام بوده است و با نگاهی به احادیث وسائل الشیعه و عناوینی که شیخ حر (در چارچوب و قالب فتوائی) ارائه می کنند، این امر به راحتی فهمیده می شود. همچنین از میان فقهاء می توان به الفاظی که شهید اول در لمعه می آورد رجوع نمود که بعضاً شهید ثانی در شرح این کتاب، به کوشش های شهید اول در حفاظت از الفاظ زمان امام، اشاره و اذعان دارد.

شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاحکام؛ عنوانی آورده است به نام "مرباطه در راه خدا" که در آن روایاتی از ائمه (ع) آورده است که مسلمانان را به حفظ مرزهای کشور اسلام تشویق کرده است. و از جایی که حفظ مرزها جنبه تهاجمی ندارد، شرکت در آن حتی برای شیعیانی که حکومت های وقت را قبول نداشته اند، از طرف امامان معصوم (ع) مجاز شمرده شده است.<sup>۳</sup> لذا فقها با توجه به روایاتی که شیخ طوسی آورده، مرزبانی از کشورهای اسلامی را حتی در زمان غیبت امام معصوم (ع) مستحب دانسته اند. علامه حلی در این باره می فرماید: مرابطه (مرزداری) در زمان حضور امام (ع) مستحب مؤکد است و در زمان غیبت امام (ع) نیز مستحب است؛ زیرا معمولاً در حفظ مرزها، جنگ و درگیری نیست و فقط جهت مراقبت و نشان دادن نیروها به دشمن است.<sup>۴</sup>

بنابراین در روایات ما از مرزبان به عنوان مرابط و از مرزبانی به عنوان مرابطه یاد شده است، از این رو آن لفظی که برای پیشبرد اهداف این پژوهش باید به عنوان لفظ کلیدی از آن یاد شود لفظ ثغر به معنای مرز و مرابطه به معنای مرزبانی است.

و در نهایت در باب تعریف مرابطه می توان گفت: «یکی از دستورات اسلامی مرابطه است. ولی فقیه باید پیوسته مرابط داشته باشد. مرابط عبارتست از اینکه یک عده از لشکریان اسلام، در خاک کفر نفوذ نموده و در آنجا استقرار پیدا کنند. بدین طریق، هم سرحدات را به خوبی نگهداری نمایند که دشمن از اطراف مملکت حمله نکند، و هم اینکه کم کم در بلاد کفر نفوذ کنند. این امر را مرابطه گویند»<sup>۵</sup>.

۵ عاملی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۲۸۵

۳ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۱۲۵

۴ علامه حلی، یوسف، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱۴ ص ۴۴

۵ آخوندی، مصطفی، جهاد در آینه روایات، ج ۱، ص ۴۴۵



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## حکم تکلیفی مرزبانی

از آنجا که شیعیان با توجه به روایات اهل بیت علیهم السلام قائلند برای هر واقعه ای، خداوند متعال حکمی قرار داده و به اصطلاح هیچ منطقه ی فراغی نیست که خداوند در آن حکمی صادر نکرده باشد<sup>۱</sup> از این رو برای این امر مهم باید به کتاب و سنت رجوع شود.

احکام به دو دسته تکلیفی و وضعی تقسیم می شود و آنها را می توان این طور تعریف نمود که حکم تکلیفی حکمی است که مستقیماً با افعال انسان در ارتباط بوده و به اصطلاح حول تکلیف مکلف می چرخد، که محصور در این موارد است: وجوب، حرمت، اباحه، استحباب و کراهت.<sup>۲</sup> اما حکم وضعی به حکمی غیر از حکم تکلیفی اطلاق می شود که مستقیماً و مباشرتاً با افعال انسان سروکار ندارد مانند صحت و بطلان و زوجیت...<sup>۳</sup>

برای بررسی احکام مرتبط با مرزبانی در مرحله ی نخست باید به مجموعه روایاتی پرداخته شود که در این رابطه در کتب روایی موجود است تا مشخص شود آیا در مورد انحاء و کیفیت مرزداری، به اماره ای میتوان تمسک نمود؟ یا اماره ای که حجت باشد در این رابطه وجود نداشته و باید به مقتضای اصل عملی در مقام بسنده نماییم.

کاشف الغطاء در زمینه حکم تکلیفی مرابطه می فرماید: «و إن توقف علیه حفظ بیضة الإسلام أو نجاه المسلمین، وجب کفایه...<sup>۴</sup>» به این معنا که اگر حفظ کیان اسلام و نجات مسلمین متوقف بر مرابطه باشد واجب کفائی است. با توجه به اینکه در این عبارت از مرابطه با عنوان واجب کفایی یاد شده است، پس بر عموم مسلمین واجب نیست، و شرط وجوب کفایی هم توقف حفظ کیان اسلام یا نجات مسلمین بر آن بیان شده است، پس در صورت عدم وجود این شروط، مرابطه از حالت وجوب کفایی خارج شده و مستحب می شود.

## رباط الخیل

آیه ای دیگر وجود دارد که خداوند متعال از ریشه «ر ب ط»<sup>۵</sup>، از مصدر دیگر باب مفاعله، یعنی فَعَال، بهره برده است:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ  
وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> ر.ک. صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم الأصول ج ۱، ص: ۱۶۵

<sup>۲</sup> صدر، محمد باقر، دروس فی علم الأصول، ج ۱، ص ۶۳

<sup>۳</sup> همان، ص ۶۴

<sup>۴</sup> کاشف الغطاء، محمد بن حسن، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، ج ۴، ص: ۳۹۰

<sup>۵</sup> انفال، ۶۰



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(و برای [کارزار با] آنها آنچه می‌توانید نیرو و اسباب بسته [و زین کرده] آماده سازید تا بدین وسیله، دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگران جز اینان را که شما نمی‌شناسید- خدا آنها را می‌شناسد- بترسانید؛ و آنچه در راه خدا انفاق کنید، به تمامی به شما باز دهند و بر شما هیچ ستمی نخواهد شد.)

در مورد این آیه در قسمت آیات الاحکام در کتاب «جهاد در آینه قرآن» که توسط جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی نگاشته شده است، نکاتی ارزشمند آمده است:

«وجوب آمادگی دفاعی همه‌جانبه در حد توان: اعداد به معنای آماده کردن چیزی برای دست یافتن به چیزی دیگر است و مراد از «قوه» در جنگ، هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر باشد مانند انواع سلاح‌ها، مردان جنگی مجرب و کارآموده، سازمان و تشکیلات نظامی. جمله «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ...» امر عامی است به مؤمنان که تا آنجا که توان و استطاعت دارند، تدارکات و قوای جنگی مورد نیاز برای مقابله با دشمنان را فراهم کنند. «قوه» در روایات به سلاح، شمشیر و سپر، خضاب کردن محاسن با رنگ سیاه و تیراندازی تفسیر شده است که از باب بیان مصادیق آن است از این رو، «قوه» واژه عامی است که آموزش فنون نظامی، تجهیزات مدرن هر عصر و [به طور کلی] نیروهای مادی و معنوی را شامل می‌شود»<sup>۱</sup>.

در اینکه اعدوا دال بر وجوب اعداد و آماده سازی می‌باشد شکی نیست اما سوال این است که موضوع این اعداد چیست؟

در این کتاب آمده که: «عطف «رِبَاطِ الْخَيْلِ» بر «قوه»، عطف خاص بر عام است و کاربرد چنین عطفی معمولاً برای رساندن اهمیت معطوف و نقش اساسی‌تر آن نسبت به دیگر مصادیق معطوف‌علیه است امروزه، اسب در میدان‌های جنگ نقشی ندارد، ولی در آن عصر برای رزمندگان شجاع و پیشرو، وسیله چابک و سریعی محسوب می‌شد. وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ.<sup>۲</sup>»

و شیخ طوسی نیز با این عبارت بر این معنا تصریح می‌کند: «خداوند بر مومنین امر کرده که تا جایی که می‌توانند در برابر دشمنان سلاح و وسیله جنگ تدارک و اعداد ببینند، و منظور از اعداد این است که شیئی در برابر دیگری و در جایی که لازم است آماده شود، و اگر آن شیء را انسان به علت علاقه شخصی برای خودش آماده کند، آن اعداد نیست.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> جمعی از محققین، آیات الاحکام در جهاد در آینه قرآن، ج ۱، ص ۱۴۵

<sup>۲</sup> همان، ص ۱۵۴

<sup>۳</sup> شیخ طوسی، تفسیر تبیان، ج ۵، ص ۱۴۸. امر الله تعالی المؤمنین ان يعدوا ما قدروا علیه من السلاح و آله الحرب و الخيل و غير ذلك و الاعداد اتخاذ الشیء

لغيره مما يحتاج اليه في أمره و لو اتخذها له في نفسه محبة له لم يكن اعداداً



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می توان اینطور گفت که لفظ رباط الخیل دال بر اسب هایی برای مرزبانی است پس با وجود اعداد اسب برای مرزبانی، مرزبانی هم باید واجب باشد. به تعبیر دیگر، صغرا این باشد: وجوب آماده سازی اسب ها برای مرزبانی و کبرا: وجوب مقدمه مستلزم وجوب غایت و ذی المقدمه است.

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر خود می فرماید:

«نخست می گوید و در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید از نیرو و قدرت آماده سازید (وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ). یعنی در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آن گاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم های احتمالی دشمن داشته باشید. سپس اضافه می کند: و همچنین به اندازه کافی اسب های ورزیده برای میدان جهاد فراهم سازید (وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ). (رباط) به معنی بستن و پیوند دادن است، و بیشتر به معنی بستن حیوان در نقطه ای برای نگهداری و محافظت به کار رفته، سپس به همین تناسب به معنی محافظت و مراقبت به طور کلی آمده است، و "مرباطه" به معنی محافظت مرزها و همچنین به معنی مراقبت از هر چیز دیگر می آید، و به محل بستن و نگاهداری حیوانات "رباط" گفته می شود و به همین تناسب کاروانسرا را عرب، "رباط" می گوید.<sup>۱</sup>»

## حکم فرار از مرزبانی

برای بررسی نظرات فقها در باب فرار از مرباطه باید به چند نکته دقت کرد، اول آنکه با توجه به مستحب بودن مرباطه، فرار از آن معنا ندارد و لذا حکمی بر آن مترتب نیست، لکن در برخی موارد مانند جنگ و حمله دشمن به مرزها که مرباطه واجب کفایی می شود از آنجا که مسلمانان در حال جهاد هستند و مرباطین هم حکم جهادگر را دارند (و اساسا مرباطه زیرمجموعه ای از جهاد است) حکم فرار از مرباطه همان حکم فرار از جهاد می باشد. لذا اگر اقوال فقها در باب فرار از جهاد بررسی شود می توان حکم فرار از مرباطه در زمان وجوب کفایی را به دست آورد.

<sup>۱</sup> مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۲۶



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در این زمینه حکم تمامی فقها متفق القول بر حرمت آن است<sup>۱</sup> به دلیل آیه شریفه قرآن کریم که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْأُدْبَارَ»<sup>۲</sup> (ای اهل ایمان، هرگاه با گروه مهاجم کافران در میدان کارزار روبرو شوید مبادا پشت به آنها کرده و از جنگ بگریزید).

روایات بسیاری نیز بر این حرمت تاکید می ورزد، امام علی(ع) می فرماید: «الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ مِنَ الْكِبَائِرِ»<sup>۳</sup> «فرار از جهاد، از گناهان کبیره است». و همچنین می فرماید: «و کسی که (از میدان رزم و جنگ) فرار می کند باید بداند که خدا را به غضب آورده است، و خود را هلاک گردانیده است و همانا در فرار، خشم خدا و ذلت همیشگی و ننگ باقی خواهد بود و به درستی که بر عمر او چیزی افزوده نمی شود و نمی تواند بین خود و مرگش فاصله اندازد، و خدایش را خشنود نمی گرداند و همانا مرگ و نیستی قبل از یافتن این خصلت (فرار از جنگ) بهتر است از راضی شدن به فرار، و اقرار بر آن»<sup>۴</sup>

اما این حرمت قیودی دارد که با توجه به آیه بعد روشن می گردد: «وَمَنْ يُولُوهُمْ يُومِئِدْ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»<sup>۵</sup> (و هر کس در آن موقعیت به آنان پشت کند و بگریزد سزاوار خشمی از سوی خدا شود و جایگاهش دوزخ است و دوزخ بازگشتگاه بدی است مگر اینکه گریزش برای انتخاب محلی دیگر جهت ادامه نبرد با دشمن، یا پیوستن به گروهی تازه نفس از مجاهدان برای حمله به دشمن باشد).

در واقع در این آیه حرمت فرار، بر فرار حقیقی اطلاق شده نه بر فرار ظاهری، چرا که برخی موارد فرد ادامه نبرد را در آن لحظه بی فایده و حتی مضر می بیند، لذا از معرکه نبرد خارج شده تا در جایی دیگر یا زمانی دیگر با افرادی دیگر به ادامه نبرد بپردازد. در واقع در این آیه دو صورت از مسئله فرار، استثناء شده که در ظاهر شکل فرار دارد اما در باطن شکل مبارزه و جهاد.

۱ فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، ج ۷، ص ۲۸۹

۲ انفال، ۱۵

۳ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۵۵

۴ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۵. ولیعلم المنهزم بأنه مُسَخِّطٌ رَبِّه: وموبق نفسه، و أن فی الفرار موجدة الله، و الدلّ اللازم و العار الباقی و أن

الفارّ لغير مزید فی عمره، ولا محجوز بینه و بین قومه و لا یرضی ربه ولموت الرجل محققا قبل اتیان هذه الخصال خیر من الرضا بالتلبس بها و الإقرار علیها

۵ انفال، ۱۶





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این آیه در زمان جنگ بدر نازل شد لذا جصاص فرار کردن تاکتیکی یاران پیامبر(ص) در جنگ بدر را نادرست می داند چرا که آنها در کنار پیامبر(ص) مشغول به جنگ بودند و آن حضرت در معرکه حضور داشت، اما در غیر زمان پیامبر(ص) این امر را جایز می داند.<sup>۱</sup>

در تفسیر نمونه درباره این دو نوع فرار نوشته شده: «نخست صورتی است که از آن تعبیر به "متحرفا لقتال" شده "متحرف" از ماده "تحرف" به معنای کناره گیری از وسط به اطراف و کناره هاست، و منظور از این جمله این است که جنگ جویان به عنوان یک تاکتیک جنگی از برابر دشمن بگریزند و به کناری بروند که او را به دنبال خود بکشانند و ناگهان ضربه غافل گیرانه را بر پیکر او وارد سازند و یا به صورت جنگ و گریز دشمن را خسته کنند که جنگ گاهی حمله و گاهی عقب نشینی به عنوان حمله مجدد است و به قول عربها "الحرب کر و فر" شکل دوم آن است که جنگجویی خود را در میدان تنها بیند و برای پیوستن به گروه جنگجویان عقب نشینی کند و پس از پیوستن به آنها حمله را آغاز نماید. بهر حال دستور تحریم فرار از میدان نباید به شکل خشکی تفسیر شود که مانورها و تاکتیک‌های جنگی را از میان ببرد همان مانورهایی که سرچشمه بسیاری از پیروزیهاست.»<sup>۲</sup>

همچنین صاحب جواهر می نویسد چنانچه در جنگ مسلمانان با کفار، هلاکت ظن غالب باشد، فرار در صورت تأمین سلامت خود با آن، واجب است.<sup>۳</sup> و علامه حلی فرار برای کسانی که جهاد بر آنان واجب نیست، مانند زنان را جایز می داند.<sup>۴</sup>

امروزه اگر بخواهیم از مجازات فرار از مرزبانی سخن بگوییم، از آنجایی که مرزبانی در مبحث دیگری آمده و مجموعاً به آن و امور دیگر، سربازی گفته می شود، باید مجازات های فرار از خدمت سربازی را برای پی بردن به مجازات فرار از مرزبانی مورد کنکاش و واکاوی قرار داد.

بر اساس ماده ۵۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح:

«کارکنان وظیفه نیروهای مسلح (سرباز) هرگاه در زمان صلح بیش از پانزده روز متوالی مرتکب غیبت شده و عذر موجهی نداشته باشند فراری محسوب و چنانچه دستگیر شده باشند به حبس از سه ماه تا یک سال یا سه ماه تا یک سال اضافه خدمت محکوم می گردند».

۱ جصاص، احمد بن محمد، احکام القرآن، ص ۲۳۱. «إنهم لم یکن جائزاً لهم الانحياز یومئذ لأنهم كانوا مع رسول الله صلی الله علیه وسلم ولم یکن الانحياز جائزاً لهم عنه، فمن كان بالبعد من النبی صلی الله علیه وسلم إذا انحاز عن الکفار فإنما كان یجوز له الانحياز إلى فئة وهو النبی صلی الله علیه وسلم وإذا كان معهم فی القتال لم یکن هناك فئة غیره ینحازون إليه فلم یکن یجوز لهم الفرار

۲ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۱۲.

۳ نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۶۳.

۴ علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۶۱.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همچنین بر اساس ماده ۶۰ قانون مذکور:

«کارکنان وظیفه فراری در زمان صلح «هرگاه شخصاً خود را معرفی و مشغول خدمت شوند به ترتیب زیر با آنان رفتار می‌شود:

الف- چنانچه برای اولین بار مرتکب فرار از خدمت شده و ظرف مدت شصت روز از شروع غیبت شخصاً خود را معرفی نمایند بدون ارجاع پرونده به مرجع قضایی در مقابل هر روز غیبت و فرار، دو روز به خدمت دوره ضرورت آنان افزوده می‌شود. این اضافه خدمت بیش از سه ماه نخواهد بود.

ب- چنانچه پس از مدت ۶۰ روز خود را معرفی کنند و یا سابقه فرار از خدمت داشته باشند به حکم دادگاه به حبس از دو تا شش ماه محکوم می‌گردند.

ج- چنانچه در زمان جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا هنگامی که یگان مربوط در آماده‌باش رزمی باشد و ظرف حداکثر دو ماه از تاریخ شروع جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا اعلام آماده‌باش رزمی خود را معرفی کنند از تعقیب و کیفر معاف خواهند بود. در صورتی که معرفی پس از مدت مذکور باشد یا در این مدت و یا پس از آن دستگیر شوند حکم فراری در زمان جنگ را خواهند داشت.<sup>۱</sup>

البته در اینجا به نقش قاضی نیز باید توجه شود چرا که قاضی رسیدگی کننده به پرونده می‌تواند بر اساس شرایط خاصی که یک سرباز مرتکب جرم شده است مانند مشکلات خانوادگی، نیاز شدید مالی و... پشیمانی و ندامت، سوابق اخلاقی خوب و... مجازات حبس را به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ۱۰ میلیون ریال یا اضافه خدمت از ۲ تا ۴ ماه تبدیل نماید.

در پایان این بخش باید عنوان کرد که با توجه به روایات باب مرابطه برای این موضوع تنها در صورتی می‌توان عقاب دنیوی (تعزیر) مطرح نمود که قائل به وجوب آن شویم، حال چه از راه ادله عقلیه و چه از راه ادله نقلیه، که در این فرض فرد فراری مجرم و مرتکب عمل خلاف شرع شده و حاکم شرح می‌تواند بحسب حال مجرم او را تعذیر نموده و قوانینی علیه وی را صادر و اجرا سازد.

## مراودات مرزبانان

مرزبانان کشورهای مختلف با وجود اینکه برای دو حکومت متفاوت خدمت می‌کنند اما محل خدمت آنها کنار همدیگر است و این موجب می‌شود که بین آنها مراودات و ملاقاتهایی شکل بگیرد، که در این مسئله باید دقت بسیاری توسط مرزبانها صورت گیرد. در این ملاقات ها مرزبانان باید نکاتی را رعایت کنند که پس از بررسی مفاهیم ملاقات میان مرزبانان، به ذکر این نکات می پردازیم.

<sup>۱</sup> جمعی از محققین، قانون مدنی ایران، ماده ۶۰



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## تعریف ملاقات

ملاقات از نظر لغوی عبارت است از دیدار و گفتگوی دو یا چند نفر و دو یا چند گروه با یکدیگر که به منظور انجام اقدامی خاص و در زمان و مکان مشخص صورت می گیرد. لکن در اصطلاح مرزی منظور از ملاقات مرزی عبارت است از دیدار و گفتگوی دو یا چند هیأت رسمی مرزی به نمایندگی از طرف دولت متبوع که به منظور انجام مذاکره، گفتگو رسیدگی و اتخاذ تصمیم در رابطه با تعیین چگونگی اجرای معاهدات و قراردادهای و پروتکل‌های مرزی و یا حل و فصل حوادث و رخدادهای مرزی بر طبق توافق های قبلی، طرفهای مذاکره، که در زمان و مکان معین و خاصی صورت می گیرد.<sup>۱</sup>

## انواع ملاقاتها

### ملاقات عادی

نوعی از ملاقات هاست که در راستای اجرای معاهدات و به منظور تحکیم روابط دوستانه همجواری و یا رسیدگی به رویدادها و حوادثی که در نوار مرزی بروز کرده و در حیطه اختیارات و صلاحیت و مسئولیت مصادر امور مرزی طرفین معاهد با قرار داد واقع شده و یا بر حسب دستورات مرکز در خصوص مواردی که علیرغم تشابه با موارد مذکور در ردیف وظایف مرزبانان و مصالح امور سرحدی، به دلیل عدم تسریع در معاهده، جداگانه ابلاغ می شود.

### ملاقات فوری یا اضطراری

دیداری است بدلیل وقوع حوادث و رویدادهای ویژه در مرز، به لحاظ حساسیت و اهمیت موضوع، حضور سریع و گفتگو و رسیدگی و تصمیم گیری در خصوص جلوگیری از ادامه و گسترش حادثه و پیگیری و دستگیری مرتکبین را الزامی کرده است. این نوع ملاقاتها ممکن است در حاشیه خط مرزی و یا محل وقوع حادثه و لزوم بازدید از آثار و علائم باقی مانده از ارتکاب جرم انجام شود.

### ملاقاتهای هیأت های عالی

این نوع ملاقاتها نیز با توجه به پیش بینی های مندرج در قرار دادها و معاهدات و به منظور رسیدگی به پرونده ها و یا موضوع هایی که مرزبانان در طول دوره به توافق نظر نرسیده اند، با قرار قبلی و توافق مقامات سیاسی طرفین متعاهد انجام می شود.

<sup>۱</sup> سهرابی، محمد، وظایف مرزبانان در حل اختلاف مرزی، ص ۹۱



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## اهمیت ملاقات

با توجه به امکان بروز و ظهور عملی توانایی های آموزشی و عملیاتی، همچنین هنر و ظرافتهای هیأت های نمایندگی در جلسات ملاقاتها و بکارگیری مدیریتها و شگردهای خاص از سوی اعضای رسمی هیأت، جهت حصول نتایج دلخواه، نفس ملاقات و به تبع آن مذاکره ارزش و اهمیت بالایی دارد.

## نحوه مذاکرات مرزی

در اجرای معاهدات و یا قراردادهای انتظامات مرزی، همچنین بند ۱۰ ماده ۴ قانون تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مرزبانان کشور وظیفه دارند با برقراری تماس از راه مکاتبه و یا ملاقات و گفتگوی حضوری با مرزبانان و هیأت های رسمی مرز مقابل و تبادل نظر با آنان، ضمن برقراری تفاهم و تحکیم روابط مودت آمیز، همکاری و تشریک مساعی جمیله معمول داشته و با حفظ امنیت منطقه، نسبت به نگهداری و مراقبت از مرزها و ایفای وظیفه در جهت حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی کشور اقدام و با رسیدگی به وقایع و رویدادهای مرزی و حل اختلافات احتمالی، از حقوق دولت و مرزنشینان کشور جمهوری اسلامی ایران به نحو احسن دفاع نموده و نسبت به استیفای حقوق مورد تهدید و تعرض اقدام مؤثر به عمل آورند.

## خصوصیات و ویژگی حاکم بر مذاکره کننده

با درک کامل حساسیت و اهمیت مذاکرات و تاثیر نتایج حاصل از آنها بر حفظ حقوق کشور و اتباع مرزنشین آن و تحصیل اهداف تعیین شده از تامین مرزبانیها و استقرار مرزبانان در منطقه مرزی و تقابل صحیح با مرزبانان کشور مقابل ایجاب میکند افراد مذاکره کننده دارای ویژگیها و خصوصیات علمی و اخلاقی و توانایی فکری خاصی باشند که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد: استعداد و توانایی فکری و برخورداری از هوش نسبتا بالا، داشتن تحصیلات متناسب با مأموریت و وظایف و برخورداری از تخصص لازم، داشتن اطلاعات عمومی کافی از اوضاع جهانی و تسلط بر وضعیت اجتماعی حاکم بر منطقه، داشتن خلاقیت و قوه ابتکار، آشنایی بر اصول حاکم بر روابط دیپلماتیک، پرهیز جدی از افشای اسرار و مطالب طبقه بندی شده، آراستگی ظاهر و ...

## نماز مرزبانان

مرزبانان به دلیل قرار گرفتن در شرایط خاص، گاه ممکن است در شرایطی همانند جنگ و رزم قرار بگیرند، در این شرایط احکام نماز آنان نیز همانند احکام نماز در شرایط جنگ می باشد. در بحث نماز در شرایط رزم باید به این توجه داشت که بین صورت اضطرار آن و حالت غیر اضطراری فرق شایانی در فقه گذاشته می شود. مرزبان در زمان صلح هرگز شرایط و احکام مرزبان در شرایط جنگ را ندارد البته جنگ فی حد نفسه منجر به تغییر احکام در نماز سر باز و مرزبان نمی شود. برای مثال اگر مرزبانی در حالت جنگ بتواند که نماز خود را با تمام اجزا و شرایط و بدون هیچ حرجی انجام دهد این فرد دارای حکم همان مرزبان در زمان صلح است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بنابراین بحث در مورد نماز مرزبان (با به طور کلی اعمال عبادیه ی او) به شدت متأثر از حالتی که وی دارد (اعم از اضطراب و ضرر و حرج) می باشد، لذا این بحث شامل دو صورت می شود: اول، وظایف عبادی مرزبان در غیر فرض اضطراب و حرج، و دوم شرایط او در اضطراب و حرج.

نسبت به اعمال عبادیه مرزبان در شرایط غیر اضطراری و حرج، گفته شد که حتی اگر در زمان جنگ هم باشد هیچ تفاوتی با نماز فرد در شرایط معمول نمی کند.

اما اگر مرزبان در شرایط اضطراری یا حرج بود چه در جنگ و چه در صلح در اعمال عبادیه او تفاوت هایی بروز می کند. به طور مثال برخی فقها مثل آیت الله خویی در منهاج الصالحین<sup>۱</sup> فتوا داده اند که می توان در فرض اضطراب مسح وضو را به روی کفش یا پوتین کشید و نماز نیز مطابق همان فرض حرج باید خوانده شود (مثلاً اگر نمی تواند ایستاده بخواند بنشیند و اگر نشسته نمی تواند خوابیده بخواند).

نماز خوف نمازی است که در شرایط ویژه از جمله ترس از دشمن به جای انجام نمازهای یومیّه تشریح شده است و آن در حال سفر به اتفاق تمامی فقها به صورت قصر و شکسته انجام می شود و در غیر سفر نیز بر اساس یک قول قصر است. اگر نماز خوف به جماعت خوانده شود تمامی فقها معتقدند که شکسته است و اگر فردی انجام شود خواندن آن به شکسته مورد اختلاف است ولی بیشترین فقها به قصر نماز فتوا داده اند.<sup>۲</sup> در زمینه نماز خوف (نماز در حالت جنگ) ابتدا باید آیات ۱۰۱ تا ۱۰۳ سوره نساء را متذکر شد:

«وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (و هنگامی که در سفر باشید باکی بر شما نیست که نماز را کوتاه به جای آرید (چهار رکعت را دو رکعت کنید) هر گاه بیم آن داشته باشید که کافران شما را به رنج و هلاکت اندازند، که دشمنی کفار نسبت به شما کاملاً آشکار است).

«وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ مِنْكُمْ أَدَى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» (و هرگاه شخص تو در میان سپاه اسلام باشی و نماز بر آنان به پا داری باید آنها با تو مسلح به نماز ایستند، و چون سجده نماز به جای آوردند (و نماز را فردی تمام کردند) در پشت سر شما رفته و گروهی که نماز نخوانده ببینند و با تو نماز گزارند و البته با لباس جنگ و اسلحه، زیرا کافران آرزو و انتظار دارند که شما از اسلحه و اسباب خود غفلت کنید تا ناگهان یکباره بر شما حمله ور شوند. و

<sup>۱</sup> خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۵

<sup>۲</sup> عاملی، زین الدین بن علی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ج ۱، ص ۱۱۱.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

چنانچه بارانی یا مرضی شما را از برگرفتن سلاح به رنج اندازد باکی نیست که اسلحه را فروگذارید ولی از دشمن برحذر باشید؛ خدا برای کافران عذابی سخت خوارکننده مهیا ساخته است.

«فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا» (پس آن گاه که از نماز فراغت یافتید باز در همه احوال، ایستاده یا نشسته یا بر پهلو خفته (در هر حال که توانید) یاد خدا کنید، سپس که (از آسیب دشمن) ایمن شدید در این حال نماز (کامل) به جای آرید، که برای اهل ایمان، حکمی معین و واجب و لازم است).

با توجه به آیات بالا و روایات<sup>۱</sup> روش خواندن نماز خوف در منابع فقهی چنین آمده است: نماز خوف در حال جنگ، در نماز دو رکعتی (صبح) و نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر، عشاء) - به صورت شکسته و دو رکعتی - به این صورت خوانده می‌شود: لشکر اسلام دو دسته شوند و امام جماعت با یک دسته از آنها نماز را شروع کند و یک رکعت را با آنها بخواند آنگاه این دسته خود فوراً رکعت دیگر را بجا آورده و سلام دهند و به جنگ روند تا دسته بعدی بیایند و امام جماعت همچنان نشسته باشد تا آنها بیایند و رکعت دوم را با این دسته دوم شروع کند و پس از بجا آوردن دو سجده، در حال تشهد بنشیند تا آنها رکعت بعدی را بجای آورند و تشهد و سلام را با یکدیگر بدهند. در نماز مغرب؛ امام جماعت دو رکعت را با یک دسته و رکعت دیگر را با دسته دیگر بخواند و در تقدیم و تأخیر مختار است.<sup>۲</sup>

شهید ثانی (ره) در شرح لمعه چنین اضافه می‌کند: در این نماز اگر امکان قرائت و ایماء در رکوع و سجود، در هر رکعت نباشد، به جای همه اعمال بعد از نیت و تکبیر فقط ذکر تسبیحات اربعه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» را بگوید و سپس تشهد گفته، نماز را سلام دهد.<sup>۳</sup>

مقدس اردبیلی می‌نویسد: در صورت عدم امکان اقامه نماز با اجزا و شرایط، به جا آوردن آن با ایما و اشاره کفایت می‌کند.<sup>۴</sup> و مرحوم طبرسی نیز می‌گوید: در صورت زوال خوف نمازی را که به شکسته خواندن آن اذن داده شده بود را باید تمام خواند.<sup>۵</sup>

۱. ر.ک: شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۳ - ۴۳۹

۲. فقه الرضا، ص ۱۴۸ و ۱۴۹

۳. شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۱، ص ۱۱۳

۴. مقدس اردبیلی، احمد، زبدة البیان فی احکام القرآن، ص ۱۲۴.

۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۵۸.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همچنین روایتی از معصوم (ع) نقل شده که در جنگ با لباس حریر می توان نماز گزارد<sup>۱</sup> یا در فرض ضرر همانطور که شیخ صدوق نیز از شیخ مفید نقل کرده اند می تواند با قباء مشدود در حرب نماز بخواند<sup>۲</sup>. منظور از حرب در این روایت به معنای خود زمان حرب و حین جنگ است که از مصادیق فرض اضطرار است و الا در جنگ حین متارکه و یا صلح موقت یا... که اضطراری نیست، احکام معمولی نماز جاری خواهد بود و این احکام در مرزبانی نیز به همین صورت باید عمل گردد.

در مورد نماز خوف امام صادق علیه السلام می فرماید: حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله اصحاب خود را دو طایفه کردند یک گروه را فرستادند که در برابر دشمنان بایستند و گروه دیگر را در عقب خود بازداشتند سپس حضرت تکبیرة الاحرام گفتند و صحابه نیز تکبیر گفتند پس حضرت قرائت کردند و آنها خاموش شدند سپس آن حضرت برکوع رفتند و ایشان نیز برکوع رفتند و حضرت به سجود رفتند و صحابه به سجود رفتند پس حضرت ایستادند در رکعت دوم<sup>۳</sup>.

آنچه از مجموع این مباحث مشخص می گردد آن است که مرزبانان اگر در شرایطی همچون جنگ، با حالت اضطرار و حرج قرار گرفتند، احکام نماز خوف بر آنها صدق می کند، و در غیر این صورت نماز آنها مانند نماز دیگران خواهد بود.

## پناه دادن توسط مرزبانان

مبحث پناه دادن توسط مرزبانان به مبحث حد و حدود کشور اسلامی وابسته است، یعنی اگر ممالک اسلامی به عنوان یک کشور بزرگ و واحد لحاظ شود و مرزی بین کشورهای اسلامی قائل نباشیم، بدیهی است اگر پناهنده مسلمان باشد برای مرزبانی که او را پناه داده هیچ جرم و مشکلی نخواهد بود، ولی در صورت مشرک بودن پناهنده، مرزبان مرتکب جرم شده و باید عواقب آن را همچون تعزیر و... بپذیرد.

اما اگر قول دیگر را در این رابطه بپذیریم که ممالک اسلامی نیز از هم منفک و جدا هستند، مرزبان حق پناه دادن پناهجو را مطلقاً (چه مسلم و چه غیرمسلم) ندارد چون مرزبان پاسدار از مرزی است که بین کشورش و کشورهای دیگر کشیده شده است، لذا معیار و ملاک مرزبان باید این باشد که کسی غیر از شهروندان کشورش وارد خاک او نشود چه مسلمان باشد و چه غیر مسلمان، چون در اینجا ملاک اسلام نیست بلکه ملاک شهروندی است، این نتیجه را می توان طبق ملاک هایی که از این قول داریم استنتاج نمود.

<sup>۱</sup> محمد بن حسن، طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۶۳

<sup>۲</sup> محمد بن ابی جعفر، المقنعه، ج ۱، ص ۲۱۶

<sup>۳</sup> شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۳۱. روی عبد الرحمن بن ابی عبد الله عن الصادق صلوات الله علیه انه قال قال صلی النبی صلی الله علیه و آله بأصحابه فی غزاة ذات الرقاع ففرق أصحابه فرقتین فاقام



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اما این بدان معنا نیست که مرزبان کشور اسلامی، پناهجویان را به حال خود رها کند و به آنها هیچ کمکی نرساند، چرا که اسلام دین هدایت و مهربانی است و کسیکه به کشور اسلامی پناهنده می شود باید از کمک آن بهره مند شود، این معنا در آیه ۶ سوره توبه بدین شکل بیان شده است:

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد بدو پناه ده تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن سخن خدا او را به مأمن و منزلش برسان، زیرا که این مشرکان مردمی نادانند.)

در آیه فوق نسبت به مشرکان بیان شده تا ابتدا به آنها پناه داده شود و سپس به منزل و مأوایشان رسانده شود، و بدیهی است این امر نسبت به مسلمانان ارجح است. هرچند آیه اختصاص به مرزبانان و یا مسئولان حکومتی ندارد اما با توجه عام بودن مفهوم آن، همه موارد را از جمله مرزبانان شامل می شود.

در تفسیر قرطبی چند نکته از این آیه استخراج شده است، خلاصه مطالبی که ایشان می فرماید این است که اگر کسی از دشمنان امان خواست باید او را امان داد تا به او احکام الهی را بیان کرد، اگر قبول کرد که نیکوست و اگر قبول نکرد او را به مأمنش برگرداند، و در این مطلب خلافی نیست. همچنین در این هم خلافی نیست که امان دادن حاکم به دشمن جایز است، اما در امان دادن غیر حاکم به دشمن محل اختلاف است، هرچند بیشتر علما جایز دانسته اند.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می نویسد: «این آیه پناه دادن به پناه خواهان را وقتی واجب کرده که مقصود از پناهنده شدن، مسلمان شدن و یا چیزی باشد که نفعش عاید اسلام گردد، و اما اگر چنین غرضی در کار نباشد آیه شریفه به هیچ وجه دلالت ندارد که به چنین کسی باید پناه داد، و این شخص مشمول آیات سابق است که دستور تشدید را داده است.

این آیه از آیات محکمه است و نسخ نشده و بلکه قابل نسخ نیست، زیرا این معنا از ضروریات مذاق دین و ظواهر کتاب و سنت است که خداوند قبل از اینکه حجت بر کسی تمام شود او را عقاب نمی کند، و مؤاخذه و عتاب همیشه بعد از تمام شدن بیان

۱ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۲۶۷. الأولى: قوله تعالى وإن أحد من المشركين أی من الذين أمرتكم بقتالهم. استجارك أی سأل جوارك، أی أمانك و ذمامك، فأعطه إياه لیسع القرآن، أی يفهم أحكامه وأوامره ونواهي. فإن قبل أمرا فحسن، وإن أبی فرده إلی مأمنه. وهذا ما لا خلاف فيه. الثانية: ولا خلاف بين كافة العلماء أن أمان السلطان جائز؛ لأنه مقدم للنظر والمصلحة، نائب عن الجميع في جلب المنافع ودفع المضار. واختلفوا في أمان غير الخليفة، فالحر يمضي أمانه عند كافة العلماء. الثالثة: قال العلماء: في قوله تعالى حتى يسمع كلام الله دليل على أن كلام الله عز و جل مسموع عند قراءة





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

است، و از مسلمات مذاق دین است که جاهل را با اینکه در مقام تحقیق و فهمیدن حق و حقیقت برآمده دست خالی بر نمی‌گرداند و تا غافل است او را مورد مؤاخذه قرار نمی‌دهد. بنابراین، بر اسلام و مسلمانان است که به هر کس از ایشان که امان بخواهد تا معارف دین را شنیده و از اصول دعوت دینی سر درآورد امان دهند تا اگر حقیقت بر وی روشن شد پیرو دین شود، و مادام که اسلام، اسلام است این اصل قابل بطلان و تغییر نیست و آیه محکمی است که تا قیامت قابل نسخ نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

و در ادامه قید بیان شده در این آیه را اینگونه توضیح می‌دهند: «کلمه حتی در جمله «حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» حکم تخصیص را که مساله پناه دادن به پناه‌خواهان است مقید به سررسید معینی می‌کند و می‌فهماند که حکم امان دادن (به مشرکی که می‌خواهد کلام حق را بشنود) برای شنیدن کلام خدا و بررسی مواد رسالت است، و قهرا مدت امان گرفتن مقید به مقدار بررسی مزبور است و رسول خدا (ص) تا آن مقدار از زمان می‌تواند به امان خود وفاداری کند که مشرکین برای شنیدن کلام خدا و بررسی ادله نبوت او به آن مقدار مهلت محتاج باشند، و اما بعد از آنکه کلام خدا را شنیدند، و تا آنجا که ضلالت از هدایت برایشان متمایز شود بررسی نمودند دیگر معنا ندارد آن مهلت امتداد پیدا کند، بلکه قهرا و خود بخود مساله امان باطل گشته و شخص امان یافته تنها این مقدار فرصت دارد که به جایگاه و مامن خود که از آنجا به نزد پیغمبر آمده بود برگردد، و مسلمین در این فرصت متعرض او نشوند، تا بتواند از مرگ و زندگی یکی را به اراده خود اختیار کند.<sup>۲</sup>

آیات الاحکام جصاص می‌نویسد که وقتی کافری امان می‌خواهد قتل وی جایز نیست چرا که خداوند به ما امر کرده که به وی امان عطا کنیم تا کلام خدا را بشنود. همچنین بر ماست که به او احکام دینی را آموزش دهیم چرا که کافری که امان می‌خواهد برای شنیدن کلام خدا، قصد دارد تا به دین صحیح معرفت پیدا کند.<sup>۳</sup>

به منزله ی تکمیل بحث در این قسمت لازم است که یک سری واژگان مرتبط به پناهجوه‌های خطاکار در این قسمت بررسی گردد و فرق بین آنها و همچنین نحوه ی رفتار با ایشان مورد واکاوی قرار گیرد:

۱ طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۰۶ و ۲۰۷

۲ همان، ص ۲۰۸

۳ جصاص، احمد بن محمد، احکام القرآن، ص ۲۸۹. قد اقتضت هذه الآية جواز أمان الحربى إذا طلب ذلك منا لیسع دلاله صحه الإسلام ; لأن قوله : استجارك سورة التوبة آية ۶ معناه : استأمنك , و قوله تعالى : فأجره سورة التوبة آية ۶ معناه : فأمنه حتى یسمع کلام الله الذى فيه الدلالة على صحه التوحيد، وعلى صحه نبوة النبى صلى الله عليه وسلم. و هذا يدل على أن الكافر إذا طلب منا إقامة الحجة عليه , وبيان دلائل التوحيد والرسالة حتى يعتقدهما لحجة ودلالة كان علينا إقامة الحجة , وبيان توحيد الله وصحة نبوة النبى صلى الله عليه وسلم وأنه غير جائز لنا قتله إذا طلب ذلك منا إلا بعد بيان الدلالة , وإقامة الحجة ; لأن الله قد أمرنا بإعطائه الأمان حتى یسمع کلام الله. و فيه الدلالة أيضا على أن علينا تعليم كل من التمس منا تعريفه شيئا من أمور الدين ; لأن الكافر الذى استجارنا لیسع کلام الله إنما قصد التماس معرفة صحه الدين



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

**عابرین غیرمجاز:** عابرین غیر مجاز کسانی هایی هستند که بدون داشتن گذرنامه یا اسناد درحد گذرنامه درحین عبور از مرز یا بعد از آن توسط مامورین مرزی خودی یا ماموران مرزی کشور مقابل دستگیر می گردند.

این قبیل اشخاص بلافاصله پس از دستگیرشدن و یا تحویل گرفتن به اطلاعات محل معرفی و سپس همراه پرونده متشکله برای دیدن کیفر عبور غیر مجاز از مرز به مراجع صالح قضایی معرفی می گردند.

**متجاوزین:** این قبیل اشخاص بیگانگانی هستند که که بدون در دست داشتن گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه، به خاک ایران وارد می شوند.

طرز رفتار با متجاوزین به شرح زیر خواهد بود:

**الف:** پاسگاه های مرزی موظف هستند این قبیل اشخاص را به محض رویت دستگیر نموده ودر صورتی که اسلحه همراه داشتند بلافاصله از آنان اخذ و در مورد نحوه ورود و قصد تجاوز تحقیقات کافی معمول و برای تحقیقات بعدی نزد مرزبان اعزام خواهند شد.

**ب:** مرزبانهای درجه ۲و۱ با مطالعه پرونده، چنانچه با دلایل مثبت ثابت گردد عبور از مرز اشتباهی بوده، بر اساس قرارداد های دو جانبه ضمن در جریان گذاشتن مرکز، شخص مذکور را به مرزبان مقابل تحویل و به نقض مقررات مرزی اعتراض خواهد کرد و هرگاه تجاوز به صورت عمدی صورت گرفته بود وی را به منظور رفع سوء ظن سیاسی به اطلاعات محل (درمورد غیر نظامیان) حفاظت اطلاعات (در مورد نظامیان) سپس همراه پرونده متشکله به دادگاه تسلیم و پس از دیدن کیفر به مرزبان مقابل تحویل خواهد شد. ضمنا مراحل دستگیری و پیگرد این گونه متجاوزین را پس از اجازه از مرکز، به مرزبان مقابل اعلام نموده و مراتب نقض مقررات مرزی را اعتراض خواهد کرد.

**ج:** پاسگاه مرزی و سایر مامورین حق ندارند برای دستگیری متجاوز فراری به خاک کشور بیگانه وارد شوند و یا در خاک بیگانه او را مورد هدف قرار دهند.

**د:** در صورتی که متجاوزین مرزی در مقابل مامورین مقاومت نموده و راه فرار وی به کشور مقابل مسدود شده بود همزمان نسبت به دستگیری وی اقدام می گردد و کلیه این جریانات در پرونده امر منعکس خواهد شد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ه: چنانچه با وجود تمام اقدامات و پیش بینی های معمول فرد متجاوز موفق به فرار گردید ماموران مرزی آثار و علائم تجاوز را حفظ کرده و جریان امر را به مرزبان گزارش و مرزبان مربوطه مستند به دلائل و مدارک اثبات اتهام به مرزبان مقابل اعتراض و عند الزوم او را برای تحویل گرفتن و ملاحظه رد آثار به ملاقات دعوت خواهد کرد.<sup>۱</sup>

## منابع و مأخذ

قرآن کریم (ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی)

نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی)

صحیفه سجادیه (ترجمه حسین انصاریان)

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد (حاشیة الآخوند)، موسسه الطبع و النشر التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۲. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، التعليقات علی شرح اللمعة الدمشقیة، المدرسه الرضویه، قم، ۱۳۶۴ ش.
۳. آملی، محمد تقی، منتهی الوصول إلی غوامض کفایة الأصول، فردوسی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۴. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابی داود، سلیمان بن اشعث السجستانی الازدی، السنن، دارالجلیل، بیروت، ۱۳۷۱.
۷. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۸. اشکنانی، محمد حسین، دروس فی اصول الفقه ( توضیح الحلقة الثالثة )، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۰ ش.
۹. اعتمادی، مصطفی، شرح الرسائل، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الأصول (طبع انتشارات اسلامی)، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۲۵ ق.
۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، الاجتهاد و التقليد، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.

<sup>۱</sup> ر.ک: معاونت آموزشی ناجا، کتاب مرزبانی، ص ۱۲ و ۱۳.